

نگاهی به وضعیت یمن از منظر صلاحیت یافتن دادگاه کیفری بین‌الملل

محسن حمیدی پور^۱

چکیده

زمینه و هدف: در پی حمله ائتلاف به رهبری عربستان سعودی به یمن، هزاران نفر کشته و زخمی شدند که بسیاری از آنان زنان و کودکان بودند. در طی این حملات اهداف غیرنظامی متعددی همچون بیمارستان‌ها و مدارس که در حقوق مخاصمات مسلحانه جز اهداف حمایت‌شده‌اند نیز در امان نماندند. در پی این حملات قحطی، سوء تغذیه و مشکلات شدید بهداشتی مردم غیرنظامی این کشور را فراگرفته و آن را تبدیل به بحرانی‌ترین فاجعه انسانی در قرن جدید نموده است.

روش: در این مقاله از روش تحلیلی- توصیفی و استفاده از منابع کتابخانه‌های به وضعیت رسیدگی به جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت و نسل‌کشی در کشور یمن پرداخته شده است.

یافته‌ها و نتایج: با توجه به اینکه دیوان کیفری بین‌المللی برای جلوگیری تمامیت‌خواهی انسان‌های خودکامه و پاسداشت کرامت انسانی به وجود آمده و برای این منظور دادگاه با توجه به ماده ۵ اساسنامه دارای صلاحیت رسیدگی به جرائم شدید چهارگانه نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت، جرائم جنگی و تجاوز ارضی است. با این اوصاف حملات سعودی‌ها نقض صلح و امنیت بین‌المللی بوده است و شورای امنیت می‌تواند در این زمینه با استناد به ماده ۱۳ اساسنامه وضعیت را به دیوان ارجاع دهد، حتی اگر طرفین درگیری عضو اساسنامه رم نباشند.

کلید واژه‌ها: یمن، دیوان کیفری بین‌المللی، جنایت جنگی، جنایت علیه بشریت.

* استناددهی (APA): حمیدی پور، محسن. (۱۴۰۰). نگاهی به وضعیت یمن از منظر صلاحیت یافتن دادگاه کیفری بین‌الملل. تحقیقات حقوقی بین‌المللی، ۱۴(۵۳)، ۱۸۰-۱۵۷.

http://alr.iauctb.ac.ir/article_687012.html

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تهران. رایانامه: Mohsenhamidipour72@gmail.com



مقدمه

در ساحت حقوق بین الملل، در صورت وقوع چهار نوع جنایت، با خاطیان آن برخوردی قهرآمیز و کیفری صورت می گیرد. در واقع بر اساس ماده ۵ اساسنامه رم، دادگاه کیفری بین المللی (ICC) برای رسیدگی به چهار عمل مجرمانه شنیع صلاحیت خواهد داشت. «نسل زدایی، جنایت علیه بشریت، جنایت جنگی و تجاوز ارضی» (شریعت باقری، ۱۳۸۸: ۲۶)، البته باید توجه داشت در زمان انگاشت اساسنامه رم به علت کارشکنی های قدرت های بزرگ به ویژه آمریکا و تلاش برای نگه داشتن صلاحیت بررسی جرم تجاوز ارضی در انحصار شورای امنیت سازمان ملل متحد، تعریفی از این جرم ارائه نگردید و این تعریف نهایتاً در اجلاس بازنگری در کامپالای اوگاندا در سال ۲۰۱۰ با اجماع مورد توافق قرار گرفت. نظر به اینکه پس از تصویب سی امین سند عوضیت، دادگاه برای رسیدگی به این جرم صلاحیت پیدا می کند، لذا باید گفت از ۱۷ جولای ۲۰۱۸ دادگاه برای رسیدگی به این جرم نیز صلاحیت یافته است. در نتیجه باید توجه داشت که پیش از این تاریخ صلاحیت دادگاه محرز نمی باشد.

ائتلاف برخی کشورهای عربی به رهبری عربستان سعودی از مارس ۲۰۱۵ حملات مستمر، نظام مند و گسترده ای در قالب عملیات تحت عنوان «طوفان قاطعیت» علیه یمن صورت داد. بر اساس گزاره های متعدد دیده بان حقوق بشر و سازمان های بین المللی از جمله ملل متحد، در این حملات ده ها غیر نظامی کشته شده اند. برخلاف هشدارها و ابراز نگرانی ها حملات ائتلاف سعودی به مراکز غیر نظامی از جمله بیمارستان ها، مدارس، مساجد، سیلوها، بازارها مجالس ختم و عروسی، انبارهای دارو، نیروگاه های برق و بناهای تاریخی و مراکز امدادی و درمانی متعلق به نهادهای بین المللی همچون سازمان پزشکان بدون مرز بی وقفه ادامه پیدا کرده است. این در حالی است که موقعیت مکانی این دسته از مکان ها به عنوان مراکز غیر نظامی و حمایت شده اعلام شده است. نتیجه این حملات نقض حقوق بین الملل بشردوستانه از جمله اصل تفکیک اهداف نظامی و غیر نظامی بوده است، ادامه این قبیل اقدامات همواره با استفاده از سلاح های ممنوعه از جمله سلاح های شیمیایی، فسفوری و بمب های خوشه ای نشان می دهد که فرماندهان عربستان سعودی از روی عمد و برای نابودی مردم یمن به ارتکاب جرایم بین المللی دست زده اند. گزارش های مربوطه از سوی یونیسف، آکسفام و برنامه جهانی غذا وابسته به سازمان ملل، نشان می دهند که عربستان سعودی در یمن برنامه ای را دنبال می کند که منجر به نابودی و زوال جسمی مردم این کشور می شود. از این رو به نظر می رسد عناصر مادی و معنوی (قصد خاص) نسل زدای و جنایت علیه بشریت در یمن توسط ائتلاف سعودی وجود دارد. ضمن اینکه صرف حمله به اهداف غیر نظامی نیز مصداق برآز جنایت جنگی است. لذا پرسش اصلی در این پژوهش این است که با فرض احراز حقوقی ارتکاب جنایات بین المللی عربستان سعودی در یمن، دادگاه کیفری بین المللی چگونه می تواند در این باره

اقدام نماید؟ آیا با توجه به عدم عضویت یمن و عربستان به‌عنوان طرفین درگیر در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌الملل و نیز با توجه تکمیلی بودن صلاحیت دادگاه، سازوکاری برای ورود و اقدام دادگاه در این زمینه وجود دارد؟ اهمیت بررسی این موضوع از جهت مقابله بی‌کیفر ماندن مجرمین بین‌المللی در چارچوب نظریه مسئولیت بین‌المللی شخصی (حقیقی) و برقراری نظم و امنیت بین‌المللی قابل طرح و بررسی است.

۱. چارچوب نظری

نظام حقوقی بین‌الملل از دیرباز در کنار جرائم خرد و کلان تابعان آن شاهد جنایات بین‌المللی از قبیل جنایت جنگی، نسل‌زدایی، جنایت علیه بشریت بوده است. دستیابی به عدالت کیفری و مقابله با کیفری عاملان و مرتکبان جنایات بین‌المللی در چارچوب مسئولیت کیفری بین‌الملل مهم‌ترین هدف و میل حقوق کیفری بین‌المللی است؛ اما قاعده عرفی مصونیت کیفری بین‌المللی دولت‌ها به‌عنوان مانعی اساسی در این شرایط همواره وجود داشته است. نظریات مربوط به مسئولیت کیفری بین‌المللی از دو بعد اشخاص حقیقی و حقوقی در طول سده بیستم رشد و نمود پیدا کرده‌اند. نظریه مسئولیت کیفری بین‌المللی برای شخص حقیقی در ابتدای قرن بیستم مورد شناسایی قرار گرفت و وارد حقوق بین‌الملل کیفری شد. در واقع مسئولیت کیفری بین‌المللی شخصی یک اصل کلی حقوقی است و این موضوع که افراد به‌عنوان تابعان حقوق بین‌الملل کیفری در قبال نقض قواعد حقوق بین‌الملل بشر و بشردوستانه باید پاسخ‌گو باشد، پذیرفته و به رسمیت شناخته شده است. (برونلی^۱، ۱۹۹۸: ۶۵۴) شخص حقیقی فارغ از جایگاه حقوقی خود در صورت احراز عنصر روانی لازم جرم اعم از عمد، بی‌اعتنایی یا غفلت مسئول شناخته می‌شود (آقایی جنت‌مکان، ۱۳۸۶: ۱۵).

در قالب نظریه «مسئولیت کیفری بین‌المللی شخصی (حقیقی) در راستا جرایم بین‌المللی با دو دسته اشخاص حقیقی مسئول سروکار داریم. دسته اول، همان نظامیانی می‌باشند که مستقیماً مرتکب قتل و جنایت شده‌اند و بی‌واسطه این اقدام از سوی آنها صورت گرفته و دسته دوم، روسا و مسئولینی هستند که مجموعه اعمال ارتکاب یافته توسط نظامیان تحت اوامر و دستورات آنها یک جنایت خاص بین‌الملل مثل نسل‌زدایی یا جنایت علیه بشریت یا جنایت جنگی را به وجود می‌آورد. دسته اخیر را افرادی مانند فرماندهان نظامی، مسئولین دولتی و کشوری تشکیل می‌دهند که به‌موجب اصل مسئولیت کیفری بین‌المللی شخصی و برخی رویه‌های قضایی بین‌الملل، شایسته تحمل کیفر می‌باشند (رحمانیان و پیری، ۱۳۹۲: ۴۲).

برخلاف اشخاص حقیقی که تابعان حقوق بین‌الملل کیفری هستند، اشخاص حقوقی نظری دولت‌ها از پیگرد کیفری بین‌المللی مصون می‌باشند. حقوق بین‌الملل کیفری به‌وضوح اشخاص

1. Brownlie

حقیقی را از نظر کیفری مسئول می‌داند، با این حال این مفهوم هنوز در رابطه با دولت‌ها اجرا نمی‌شود. مکتب کلاسیک حقوق بین الملل معتقد است که صرفاً افراد وابسته به شخصیت حقوقی یا دولت مرتکب جرم می‌شوند، نه خود شخصیت حقوقی یا دولت. به همین خاطر در محاکمات نورنبرگ و توکیو و تحت تأثیر نظریه «نفی مسئولیت کیفری بین المللی دولت‌ها»، منحصرأفراد تحت پیگرد، محاکمه و مجازات قرار گرفتند، نه دولت‌ها و حاکمیت‌ها. حتی به باید اذعان داشت که در ماده ۱۰ کنوانسیون ملل متحد علیه جرایم سازمان یافته فراملی معروف به کنوانسیون پالمو نیز که در ۱۵ نوامبر ۲۰۰۰ با قطعنامه مجمع عمومی به تصویب رسید، با وجود به رسمیت شناختن مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، از مسئولیت کیفری دولت‌ها صحبتی به میان نیامده است (یونسکو، ۲۰۰۰: ۱۰).

مصونیت حاکمیت‌ها از نظر کمیسیون حقوق بین الملل به عنوان یک قاعده بنیادین مورد پذیرش قرار گرفته است، ولیکن در سیر تکامل حقوق بین الملل و با تأسیس دادگاه کیفری بین الملل، میان مصونیت دولت‌ها و مصونیت مقامات دولتی تفکیک به وجود آمده است. برخی از صاحب نظران با نقد از این رویکرد معتقدند، مصونیت دولت یک اصل است که نمی‌توان آن را میان دولت و افراد به اشتراک گذاشت، چراکه این کار باعث می‌شود دولت‌ها به بهانه عملکرد افراد، از بار مسئولیت رها شوند. (Weatheral, 20015: 12) در هر صورت با توجه به مصونیت کیفری دولت‌ها در عرصه حقوق بین الملل، مطابق با ماده ۲۵ اساسنامه دادگاه کیفری بین المللی، دادگاه تنها در خصوص جرایم اشخاص حقیقی صلاحیت رسیدگی خواهد داشت و صلاحیت آن برای رسیدگی به جرایم اشخاص حقوقی مورد تردید قرار گرفته شده است. (شریعت باقری، ۱۳۸۸: ۳۳) از این رو از منظر حقوق کیفری بین المللی دولت عربستان سعودی به دلیل دست داشتن در یک جنایت بین المللی نمی‌تواند تحت تعقیب قرار گیرد، اما فرماندهان نظامی آن به خاطر نقش فرماندهی در این موارد می‌توانند موضوع تعقیب دادگاه قرار گیرند. دادگاه کیفری بین المللی با این رویکرد به وجود آمده که تعقیب مرتکب شنیع ترین اعمال ضد حقوق بشری با چالش روبه‌رو نشود. لذا باید گفت وجود دادگاهی برای به‌سزارساندن برهم زندگان نظم و امنیت بین المللی ضرورت دارد.

۲. جنایت جنگی عربستان سعودی در یمن

جنایت جنگی^۱ اقدامی است که انجام آن در هنگام درگیری‌های مسلحانه موجب نقض حقوق بشردوستانه بین المللی می‌شود و قواعد آن ناظر بر نقض مسلم و فاحش قاعده عرفی یا معاهده‌ای ناظر بر حقوق بشردوستانه بین المللی است. در واقع جرایم جنگی سابقه‌ای بسیاری طولانی‌تر از دیگر جرایم بین المللی دارد به همین دلیل حقوق بین الملل عرفی مقدم بر حقوق بین الملل

1. War Crime

معاهدای، اعمال ارتكابی به هنگام مخاصمات مسلحانه را جرم‌انگاری و غیرقانونی ارزیابی نموده است، اما ورود این دسته از رفتارها به عرصه حقوق بین‌الملل معاهداتی از طریق معاهدات ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه و کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو در سال ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی آنها در سال ۱۹۷۷ بوده است. بالندگی آن نیز با تصویب اساسنامه رم در سال ۱۹۸۸ رخ داد؛ اما جرایم جنگی را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد. گروه اول، مواردی هستند که می‌تواند تحت عنوان موارد تخلف از مفاد کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو طرح شود. گروه دوم، از جرایم جنگی شامل نقض ماده سوم مشترک بین کنوانسیون ژنو و نقض قواعد مهم دیگر از قواعد و عرف‌های قابل اجرا حین منازعات مسلحانه غیر بین‌المللی است. (شریعت باقری، ۱۳۹۹: ۱۱۴) با استناد به ماده ۸ اساسنامه رم، دادگاه در رابطه با جنایت جنگی صلاحیت دارد. به خصوص هنگامی که در چارچوب یک سیاست عمومی یا به صورت ارتکاب گسترده چنین جرایم صورت گرفته باشد. در این ماده موارد و مصادیقی مانند قتل عمد، وارد کردن رنج شدید یا آسیب جدی به بدن یا سلامت افراد، اخراج، حملات عمدی علیه غیرنظامیان با قصد حمله علیه آنها، حملات عمدی به سوی اهداف غیرنظامی، بمباران شهرها و روستاهایی که هدف نظامی نیستند، استفاده از گلوله‌هایی که به راحتی در بدن انسان منبسط یا مسطح می‌شود و ... به عنوان «عناصر مادی» جنایت جنگی محسوب شده‌اند. بررسی و تحلیل اقدامات صورت گرفته از سوی عناصر عربستان سعودی در یمن مصادیق بارزی از این جنایات جنگی را نشان می‌دهد و از جمله کشتار غیرنظامیان همچون زنان و کودکان و حمله به سیلوهای گندم، تخریب بیمارستان‌ها و انبارهای داور، ممانعت از رسیدن کمک‌های دارویی و پزشکی، حمله به زیرساخت‌های غیرنظامی از جمله نیروگاه برق صنعا و تنها نیروگاه برق استان صعده و حمله به فرودگاه صنعا و همچنین استفاده از سلاح‌های ممنوعه علیه مردم غیرنظامی از جمله سلاح‌های شیمیایی، فسفوری و بمب‌های خوشه‌ای. سران و فرمانده نظامی عربستان سعودی با علم به اینکه عمل نابهنجار (تجاوزی) در حال وقوع است به این اقدامات دست زدند. برای تبیین موضوع، ابتدا عناصر مادی جنایت جنگی در ماده ۸ اساسنامه به تفکیک ذکر و به دنبال آن به صورت تطبیقی به مصادیق این جنایت در جریان حملات سعودی‌ها به یمن اشاره می‌شود.

بند الف و بند ماده ۸ اساسنامه: «کشتار عمدی و هدایت عمومی حملات بر ضد مردم غیرنظامی در کلیت آن یا بر ضد افرادی غیرنظامی که مشارکت مستقیم در مخاصمات ندارند و حمله یا بمباران شهرها، روستاها و مناطق مسکونی یا ساختمان‌هایی که بی‌دفاع بوده و اهداف نظامی نیستند با هر وسیله‌ای که باشد».

یکی از وجوه تجاوز عربستان سعودی به کشور یمن، بمباران عمدی مجالس عروسی و ختم، بمباران بازار، مراکز خرید و مجالسی است که به مناسبت‌های ملی و مذهبی تشکیل شده‌اند. موارد متعددی از حملات جنگنده‌های سعودی به منازل و اماکن غیرنظامی وجود دارد که بر اثر آن

صدها زن و کودک یمنی از بین رفته‌اند. برای مثال دوم اردیبهشت ۱۳۹۷ هواپیماهای نظامی سعودی در دو حمله متوالی به روستای الراقه در منطقه بنی قیس استان حجه یمن یک مراسم عروسی را هدف قرار داده و ۳۳ نفر از غیرنظامیان را کشتند و ۶۳ نفر را مجروح کردند که ۴۹ نفر از مجروحان کودک بودند. مطابق با گزارش سخنگوی وزارت بهداشت استان حجه، این جنگنده‌ها پس از بمباران، با ادامه در مناطق بنی قیس، مانع رسیدن خودروهای امداد رسان و افزایش تلفات می‌شدند. سازمان پزشکان بدون مرز با بیان اینکه هیچ‌یک از زخمی‌های مراسم عروسی در استان حجه یمن مسلح نبوده و اقدام نظامی نداشته‌اند، حمله به این مراسم توسط ائتلاف سعودی را وحشتناک و نقض فاحش حقوق بشردوستانه توصیف کرد. همچنین در حمله هواپیماهای نظامی سعودی به منطقه فح عطان واقع در جنوب یمن ۱۴ غیرنظامی از جمله ۵ کودک کشته شدند. در حمله‌ای دیگر به بازاری در استان صعده حداقل ۲۱ تن کشته و ده‌ها تن دیگر زخمی شدند. جنایت سعودی‌ها علیه جمعیت غیرنظامی در استان‌های دیگر نیز وجود دارد تا جایی که بر اساس آمار یک موسسه غیردولتی از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹ در نازعه یمن حداقل ۹۱ هزار تن کشته شده‌اند که این رقم شامل افرادی که بر اثر فجایع انسانی ناشی از جنگ، به‌ویژه گرسنگی و قحطی، جان خود را از دست داده‌اند، نمی‌شود (MAGDY, 2019).

وزارت حقوق بشر یمن اردیبهشت ۱۳۹۷ در گزارش اعلام کرد که از زمان آغاز حمله هوایی سعودی‌ها به یمن از سال ۲۰۱۵ تا مارس ۲۰۱۸ تقریباً ۳۸ هزار و پانصد تن غیرنظامی جان خود را از دست داده‌اند. تجاوز عربستان سعودی به یمن به‌طور غیرمستقیم باعث مرگ حدود سیصد هزار نفر در یمن شده است. به شکلی که ۲۴۸ هزار کودک در یمن به دلیل سوء تغذیه شدید و ۱۷ هزار نفر نیز به دلیل عدم توانایی برای خروج از این وضعیت و درمان بیماری خود جان خود را از دست داده‌اند. مقامات ذی‌ربط سازمان ملل نیز به کشتار عمدی مردم یمن اشاره کرده‌اند. زید بن رعد کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد گفت که حملات ائتلاف سعودی، همچنان دلیل اصلی کشته شدن غیرنظامیان در یمن است. سازمان دیده‌بان حقوق بشر همراه ۵۶ سازمان غیردولتی و بین‌المللی در درخواست خود به نمایندگان کشورهای عضو و ناظر شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، خواهان تحقیقات بین‌المللی مستقل درباره جنایات ارتكابی در یمن شدند.

بند ب ماده ۸ اساسنامه مقرر نموده است «هدایت عمدی حملات بر ضد اهداف غیرنظامی، هدایت عمدی حملات بر ضد ساختمان‌هایی که برای مقاصد مذهبی، آموزشی، هنری، علمی یا خیریه اختصاص یافته و حمله به آثار تاریخی، بیمارستان‌ها و مکان‌های تجمع بیماران و زخمی‌ها مشروط بر آنکه آن مکان‌ها اهداف نظامی نباشند، مصداق جنایت جنگی است».

مطابق با اصول حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی، مؤسسات درمانی مانند بیمارستان‌ها، مکان‌های مذهبی و تاریخی و زیرساخت‌ها کشور، از هرگونه حمله و تخریب در امان هستند و اگر

کسی چنین حملاتی علیه این افراد صورت دهند، مشمول جرایم جنگی می‌شود. در واقع مبتنی بر بند دوم ماده ۵۲ پروتکل الحاقی اول، حملات منحصرأ باید به هدف‌های نظامی محدود باشند و هدف‌های نظامی به موارد و اموالی منحصر می‌شود که فلسفه محل، هدف یا کارایی آن نقش به‌سزایی در عملیات نظامی داشته و از بین بردن کلی یا جزئی، تصرف یا نابود کردن آنها به هنگام حمله، یک امتیاز نظامی معین برای حمله‌کننده به ارمغان آورد، لذا باید به دو معیاری که به‌منظور تعیین اهداف نظامی وجود دارد، توجه داشت. یک، سهم و تاثیر آماج نظامی و دوم، امتیاز و منفعت نظامی که حاصل می‌شود. (CASESSE, 2002: 196) باید توجه داشت که عربستان سعودی در پی حملات خود به یمن به مساجد، اماکن مذهبی، تاریخی، موزه‌ها که در حقیقت هدف نظامی نیستند، حمله کرده و اقدام به آسیب و نابودی آنها نموده بود. سازمان دیده‌بان حقوق بشر نیز در این رابطه اعلام نمودند که «هواپیماهای نظامی، هیچ تفاوتی میان اهداف نظامی و غیرنظامی نمی‌گذاشتند» (HRW, 2018: 222).

گفتنی روزنامه انگلیسی گاردین در شماره روز ۱۶ سپتامبر ۲۰۱۶ در پی گزارشی مبتنی بر تحقیقات گروهی اعلام نمود که از هر سه حمله عربستان سعودی، یک حمله به مناطق و نواحی غیرنظامی از جمله مدارس، بیمارستان‌ها و بناهای حساس اقتصادی می‌باشد. از مارس ۲۰۱۵ تا اوت ۲۰۱۶ بالغ بر ۸۶۰۰ تهاجم هوایی بر ضد کشور یمن صورت گرفته که ۳۵۷۷ حمله به مناطق نظامی، ۳۱۵۷ حمله به نواحی غیرنظامی و بیش از ۱۸۸۲ تهاجم نیز به محل‌های صورت گرفت که ماهیت نظامی یا غیرنظامی بودن آن مشخص نیست. مطلب مهم دیگر در این بمباران‌ها آن است که نواحی غیرنظامی به‌ویژه تأسیسات مهم بهداشتی و آموزشی همواره مورد هجوم نظامی سعودی‌ها قرار گرفتند؛ طوری که حدود ۸۰ درصد زیرساخت‌های و بناهای حیاتی شهری به‌طور کل از بین رفته است (MACSKill, Tropey, 2016).

بند ۸ ماده ۸ اساسنامه در رابطه با تهاجم علیه مراکز آموزشی است. در حقیقت پروازهای نظامی عربستان بارها مدارس جاهای مختلف یمن را با علم به نظامی نبودن آنها مورد حمله قرار داده‌اند برای نمونه دهم ژانویه ۲۹۱۷ مدرسه‌ای در منطقه نهم در شهر صنعنا مورد حمله قرار گرفته و ۸ دانش‌آموز کشته و ۱۶ تن دیر نیز به‌شدت زخمی شدند. گزارش‌های سازمان‌های مستقل و مردم‌نهاد در طی مدت ۳ سال نشان می‌دهند که بیش از ۸۲۰ مدرسه، مرکز آموزشی و دانشگاهی از بین رفته و یا نابود شده‌اند و در این میان هیچ‌گونه تفاوتی میان این اهداف از سوی مهاجمان صورت نگرفته است. (Fisk, 2016: 134) در مرداد ۱۳۹۷ (اوت ۲۰۱۸) در جریان حمله ائتلاف سعودی به اتوبوس حامل دانش‌آموزان در شهر صحیان در استان صعده ۵۱ دانش‌آموز جان خود را از دست دادند. سخنگوی دفتر حقوق بشر سازمان ملل بیان داشت «هر تهاجمی که به شکل مستقیم، غیرنظامیان و اشخاصی را هدف قرار دهد که به‌صورت مستقیم در اقدامات مسلحانه

دخالت دارند، یا هر حمله‌ای که معطوف به اهداف غیرنظامی باشد، شامل جنایات جنگی است» (JUMVpress, 2018: 22).

«بند ب ماده ۸ اساسنامه» نیز حمله به آثار تاریخی را منع کرده است. باید دانست که آثار تاریخی موجود در کشور یمن از تجاوزهای نظامی سعودی‌ها در امان نمانده است و قسمت بزرگی از سد تاریخی و هزاران ساله «مارب» و همچنین مسجد «امام عبدالرزاق بن همام» که در سال ۲۰۱۱ در استان صنعا به وجود آمده بود، در اثر بمباران هوایی ائتلاف عربی نابود شده‌اند. همچنین بازار معروف شهر صعده که تاریخچه آن به قرن سوم بازمی‌گردد نیز از این بلا یا بی‌نصیب نمانده است. قلعه فرهنگی و تاریخی «صیره» در استان عدن نیز از این قاعده مستثنی نبوده و در اثر حملات زمینی و دریایی از بین رفته است. شدت و میزان این بمباران‌ها به شکلی بوده که سازمان علمی و فرهنگی تربیتی ملل متحد (UNESCO) با صدور اعلامیه‌ای ضمن تقبیح این اقدامات اعلام نمود که «بمباران‌های بی‌حد و مرز خسارات عظیمی به شهر باستانی صنعا که مقر فرهنگی و تاریخی کشور است وارد کرده است» (Passey, 2018: 18).

سازمان موزه‌ها و آثار تاریخی یمن در ضمن گزارشی اعلام نمود که حملات ائتلاف عربی به کشور، باعث نابودی بیش از دو هزار اثر تاریخی، موزه و بناهای فرهنگی دیگر شده است. در واقع سرپرست اداره فرهنگی و تاریخی یمن گفته است «این اداره فهرست مراکز تاریخی و فرهنگی این کشور را برای عربستان فرستاده است، اما آنها توجهی به این موضوع نداشته و برنامه‌های غیرانسانی خود را ادامه می‌دهند» (Ibid).

«بند ب ماده ۸ اساسنامه» نیز در رابطه با حمله مراکز درمانی و بیمارستان‌ها است. باید دانست که در فوریه ۲۰۱۷ سازمان بهداشت جهانی بیانیه‌ای صادر کرد مبنی بر اینکه به دلیل جنگ‌های صورت گرفته در کشور یمن بیش از ۲۷۴ مرکز درمانی از کار افتاده و تنها ۴۵ درصد از امکانات و تجهیزات درمانی در این کشور در دسترس است. علاوه بر این گسترش بیماری‌های مسری مثل وبا و تیفوس نیز به دنبال حملات سعودی‌ها بر معضلات این کشور افزوده است. سخنگوی وزارت بهداشت یمن گفته است که در این کشور ۴۱۴ مرکز و تأسیس بهداشتی به واسطه تجاوز نظامی نابود شده است، بمباران همه روزه مناطق مختلف یمن به علاوه محاصره زمینی و دریایی این کشور معضل گسترش بیماری‌ها را دوچندان نموده است و لذا می‌بایست هرچه سریع‌تر اقدامی برای این عملیات غیرانسانی در نظر گرفت. گفتنی است در بحبوحه جنگ یمن نه تنها بیمارستان‌ها مورد هدف قرار گرفته‌اند، بلکه مراکز وابسته به آن از جمله انبارهای دارو نیز مورد اصابت موشک و خمپاره قرار گرفته‌اند. برای نمونه انبار دارو از زمان پزشکان بدون مرز در شهر عبس یمن کاملاً در اثر حملات نابود شده است (Doctorswithoutborders, 2018: 233).

«بند ب ماده ۸ اساسنامه» انجام عمدی حمله را با اعلام به اینکه چنین حمله‌ای باعث تلفات جانی یا آسیب به غیرنظامیان یا خسارت به اهداف غیرنظامی یا آسیب گسترده، درازمدت و شدید به محیط‌زیست خواهد شد و آشکارا درباره مجموعه فایده نظامی ملموس و مستقیم مورد انتظار از آن بیش از اندازه است، منع کرده است؛ اما حمله ائتلاف به سرکردگی عربستان به بمباران و حمله هوایی مناطق شهری و روستایی غیرنظامی بی‌توجه بوده که نقض آشکار کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو بوده و صدمات انسانی، محیط‌زیستی شدید را به همراه خود داشته است. در این رابطه می‌توان از سد مارب که یکی از مهم‌ترین اماکن زیست‌محیطی این کشور است نام برد که در اثر شدت حملات هوایی نابود شده است که از موارد آشکار جنایت جنگی است. این حمله به‌وضوح در عارض با ممنوعیت حمله به تأسیسات حاوی نیروهای خطرناک مندرج در ماده ۵۶ پروتکل یک الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو نیز می‌باشد. باید توجه داشت که این سد، نه نظامی بود و نه برای اهداف نظامی مورد استفاده قرار گرفته بود. بلکه سران نظامی سعودی به‌منظور از بین بردن آب آشامیدنی غیرنظامیان و ایجاد قحطی در منطق این عملیات را صورت دادند. همچنین این حمله ناقض معاهده ۱۹۵۴ لاهه در رابطه با حمایت از میراث فرهنگی در هنگام مخاصمات مسلحانه نیز می‌باشد. در واقع باید توجه داشت این سد از مهم‌ترین آثار تاریخی به‌جای مانده از یمن باستان است. ثبت سازمان میراث جهانی نیز شده است. در همین رابطه اعضای کنفرانس نمایندگان کشورهای حوزه آسیا و اقیانوسیه پیرامون محیط‌زیست و توسعه اعلام کردند که اقدامات غیرانسانی و نظامی برای تخریب محیط‌زیست تأثیر نامطلوبی برای زیرساخت‌های حیاتی منطقه به وجود آورده و این اقدامات بالفور بایستی متوقف شوند (UNEP, 2019: 23)

«بند ب ماده ۸ اساسنامه» در رابطه با اقدام دولت اشغالگر، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، برای انتقال بخش‌هایی از جمعیت غیرنظامی‌اش به سرزمینی که اشغال می‌کند، یا تبعید یا انتقال تمام یا بخش‌هایی از جمعیت سرزمین اشغالی در داخل یا به خارج از این سرزمین، تبعید یا انتقال یا حبس غیرقانونی است.

بر اساس پروتکل الحاقی و سند عناصر تشکیل‌دهنده اساسنامه رم، جرم اخراج یا جابه‌جایی جمعیت توسط نیروی اشغالگر، زمانی به وقوع می‌پیوندد که مرتکب به شکل مستقیم یا غیرمستقیم بخشی از جمعیت خود را به سرزمین اشغال‌شده کنترل کرده و یا تمام یا بخشی از جمعیت سرزمین اشغال‌شده را در داخل یا خارج از سرزمین، اخراج یا جابه‌جا کرده باشد. منظور از انتقال غیرمستقیم این است که در واقع صرفاً اجبار مادی و فیزیکی برای انتقال جمعیت غیرنظامی نیروی اشغالگر به سرزمین اشغالی، ضروری نیست، بلکه صرف عمل تحریک‌آمیز یا ایجاد تسهیلات نیز ممکن است تحت شمول این جرم جنگی واقع شود (Dormann, 2003: 33).

در همین رابطه باید گفت که تهاجمات نظامی عربستان زمینه لازم برای آوارگی و جابه‌جایی بخشی از جمعیت این کشور شده است که می‌توان مشمول این بند و در نتیجه جنایت جنگی دانست. نیروهای متعلق منصور هادی که از سوی سعودی‌ها نیز حمایت می‌شود، مردم یمن ساکن در مناطق المنصوره و حی ریمی واقع در شمال را دستگیر و به استان تعز که در اختیار جنبش مردمی انصار الله است تبعید کرده است. همچنین تصرف جزیره سقطرا توسط کشور امارات و سعدی در انتقال تجزیه‌طلبان یمنی و اخراج مردم بومی آن نیز در این زمینه باید مورد قرار گیرد (Yemen in Focus, 2019: 33)

در زمینه جرم تبعید یا انتقال یا حبس غیرقانونی، آرای صادره در دادگاه‌های کیفری پشین راهنمای معنای اساسنامه رم در این زمینه می‌باشد. در واقع دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق در پرونده رادیسلاف کریستیچ عنوان داشته است که در حقوق بین‌الملل عرفی، تبعید به معنای انتقال افراد به مرزهای خارج از کشور است. این در حالی است که انتقال اجباری به معنای جابه‌جایی افراد در مرزهای داخلی کشور است (ICTY, 2001: 223).

اخراج و کوچاندن اجباری هر دو دربرگیرنده تخلیه اجباری و غیرقانونی افراد از سرزمین محل اقامت خودشان می‌باشد. (کسسه، ۱۳۸۷: ۹۲) کوچاندن اجباری با حمله نظامی سعودی به وجود آمده است. به دنبال قحطی و عملیات جنگی، بیش از چهار میلیون یمنی به نقاط امن داخلی گریخته‌اند و از این رو به نوعی مهاجر داخلی تبدیل شدند. تعداد زیادی از مردم یمن از این کشور فرار کرده و به کشورهای اطراف مثل عمان، سومالی، پناهنده شده‌اند. واقعیت این است که در شرایط ادامه حملات ائتلاف تعداد بیشتری از مردم غیرنظامی از کشور خارج شده و از طریق مسیرهای ناامن مسیر خود را به خارج کشور پیدا می‌کنند (UNREFugee, 2018: 22).

«بند ب ماده ۸ اساسنامه» به کار بردن سم یا سلاح‌های سمی؛ کاربرد گلوله‌هایی که به راحتی در بدن انسان پخش می‌شود مانند گلوله‌هایی که دارای پوسته سختی هستند که تمام هسته را نمی‌پوشاند یا آنکه شکاف‌هایی روی پوسته ایجاد شده است، به کار بردن سلاح‌ها، پرتابه‌ها و مواد و روش‌های جنگی که دارای خاصیت آسیب‌رسانی بیش از حد یا موجب رنج غیر لازم می‌شوند یا آنکه ذاتاً بدون تفکیک آماج و برخلاف حقوق بین‌الملل منازعات مسلحانه می‌باشند، مشروط بر این امر که این سلاح‌ها موضوع منع جامع بوده و از طریق اصلاحیه‌ای مطابق مقررات مربوط در مواد ۱۲۱ و ۱۲۳ در ضمیمه الحاقی به این اساسنامه درج شوند.

به گفته مؤسسات، نهادهای بین‌المللی و کمیسیون عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد، کشورهای متحد علیه یمن از بمب‌های خوشه‌ای استفاده کرده‌اند که به پشتیبانی و تدارک کشورهای فرانسه و انگلیس می‌باشند. شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در ۴ سپتامبر ۲۰۱۹ بیان داشت که گروهی کارشناسی به نمایندگی از سازمان ملل متحد فهرستی ۱۶ نفره از نظامیان

و تصمیم‌گیران سعودی، اماراتی و یمنی را که به جنایت جنگی متهم هستند تهیه کرده است و کشورهای آمریکا، فرانسه و انگلیس نیز به واسطه همکاری در فروش سلاح به آنها ممکن است تحت عنوان معاون در جنایت جنگی تعقیب‌اند. در پاراگراف ۵۷ این سند و بیانیه آمده است که کشور یمن و بیشتر اعضای مهاجم به یمن از جمله امارات و عربستان عضو اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی نیستند. با این حال، اصل مسئولیت کیفری بین‌المللی شخص (حقیقی) در قبال جنایات جنگی توسط حقوق عرفی بین‌المللی مورد شناسایی قرار گرفته است (22: HRCR, 2019).

استعمال شیوه‌های جنگی که منجر به آسیب فزاینده و یا درد و رنج غیر ضروری، طبق مفاد حقوق بین‌الملل عرفی ممنوع است. بخش دوم ماده ۳۵ از پروتکل الحاقی اول کنوانسیون ژنو، استفاده از سلاح‌ها، پرتابه‌ها، مواد و روش‌های جنگی را که بنا به ذات و اهدافشان آسیب بیش از حد یا رنج غیر ضروری ایجاد می‌کنند را ممنوع و غیرمجاز دانسته است، ماده ۴۸ و بندهای ۴ و ۵ ماده ۵۱ این پروتکل نیز مقرر کرده که منازعه کنندگان باید به موجب قواعد حاکم بر مخاصمات مسلحانه، مردم غیر نظامی را از نظامیان (اهداف غیر نظامی از اهداف نظامی) مشخص نموده و رفتار متفاوتی در قبال هریک اخذ نمایند (سیدزادانی و فرهادی آلاشتی، ۱۳۹۳).

فرمایشات و رهنمودهای فرماندهای ائتلاف سعودی در رابطه با استفاده از بمب‌های غیرمتعارف مانند بمب‌های خوشه‌ای یکی از موارد آشکار جرایم جنگی است. نهادهای بین‌المللی دیده‌بان حقوق بشر، در اعلامیه‌ای گفت که عربستان سعودی در جریان تخاصم و بمباران استان‌های عمرا، الحدیده، صنعا و صعده، از سری بمب‌های نامتعارف و جمعی استفاده کرده است. علی عبدالله صالح، رئیس‌جمهور پیشین یمن گفت که کشورهای دشمن یمن به رهبری عربستان با کاربست سلاح‌های ممنوعه و غیرمجاز بین‌المللی باعث گسترش عامل وبا در یمن هستند. آنها با استفاده از تجهیزات مخرب جنگی مانند بمب‌های خوشه‌ای و بمب‌های موسوم به بمب‌های گرمافشاری با خاصیت انفجاری شدید آثار و آسیب‌های زیادی را به مردم یمن تحمیل کرده‌اند (Ahtribune, 2017: 22).

«موضوع دیگر بند ب ماده ۸ اساسنامه» ممنوعیت تحمیل گرسنگی به غیر نظامیان به‌عنوان روش جنگی، با محروم کردن آنان از موادی که برای بقایشان ضروری است، از جمله جلوگیری خودسرانه از رسیدن کمک‌های امدادی پیش‌بینی شده در کنوانسیون‌های ژنو است.

هر زمان مجرم، افراد غیر نظامی را از موادی که حیات آنها بدان وابسته است، ممنوع نمایند و یا قصد گرسنگی دادن به آنان به‌عنوان طریقه‌ای جنگی داشته باشند، مرتکب جرم گرسنگی دادن عمدی شده‌اند. اساسنامه رم پیرو ماده ۵۴ پروتکل الحاقی اول ژنو، گرسنگی تحمیلی به شهروندان غیر نظامی، به‌عنوان یک طریقه و حربه جنگی را ممنوع و جرم دانسته است. بند دوم ماده ۵۴ همین پروتکل نیز گرسنه نگه داشتن از طریق محرومیت از مواد ضروری را غیرقانونی اعلام کرده است.

کمیته صلیب سرخ جهانی در ارائه تفسیری که برای تشریح مواد پروتکل الحاقی ارائه نموده و در ذیل این ماده بیان نمود که گرسنگی دادن با همان مفهوم متعارف تعریف و توسط انسان‌های معمول فهم می‌شود (Schmitt, 2010: 223).

بزه‌دیدگان این اقدام غیرنظامی هستند. لذا باید گفت آن زمان که مهاجمان مزارع و باغ‌هایی را که منبع غذایی نظامیان طرف مقابل هستند را نابود می‌کنند، این جرم به وقوع نمی‌پیوندد. ولیکن زمانی که اقدامات مشابه با نیت از بین بردن غیرنظامیان و شهروندان منطقه باشد مجازات متناسب باید در نظر گرفته شود. در واقع، می‌توان گفت این عمل در صورت احراز سایر شرایط لازم برای جرم جنایت علیه بشریت، مصداق نابودسازی، آپارتاید و اعمال غیرانسانی دیگر با خصوصیات مشابه که عمداً و قاصداً منجر به رنج غیر ضروری یا آسیب شدید جسمانی یا سلامت روانی می‌شود، می‌باشد (سیدزاده ثانی و فرهادی آلاشتی، ۱۳۹۳: ۱۱۱).

سعودی‌های در جنگ یمن، دست به عملیات متعددی زده‌اند که مصداق بارز به قحطی کشاندن مردم عادی است و از آن به‌عنوان ابزاری جنگی استفاده کرده‌اند. حملات به تأسیسات آب خوردنی، مراکز نگهداری غله، محاصره هوایی، دریایی، زمینی و ممانعت از ورود مواد غذایی و دارو از جمله این موارد است که مطابق با مواد ۵۲، ۵۴ و ۵۶ پروتکل اول الحاقی کنوانسیون ژنو غیرقانونی است. به دنبال چنین اقداماتی است که سازمان ملل متحد عنوان داشته که ۲/۲۲ میلیون نفر از شهروندان یمنی نیاز سریع و اورژانسی به غذا و دارو دارند که از این میان ۴/۸ میلیون تن کودک وزن هستند. مبتنی بر گزارش صلیب سرخ جهانی نیز بیش از ۸۰ درصد از جمعیت یمن از معضلاتی از جمله نبود آب آشامیدنی، منبع غذا و مراقبت‌های بهداشتی رنج می‌برند (ICR, 2018: 222).

سازمان مردم‌نهاد آکسفام با اعلام گزارشی بیان نموده است که «یمنی‌ها به واسطه محاصره و حملات نظامی بر بندر و شهرگ‌های اصلی این کشور مواد غذایی، سوخت و دارو محروم بودن و بیش از هر وقت دیگری در آستانه گرسنگی و قحطی همه‌گیر قرار دارند». این نهاد به بانیان این اتفاق یعنی سعودی‌ها اعلام کرده که استفاده از گرسنگی دادن به‌عنوان روش جنگی غیرانسانی است و هرچه سریع‌تر این اقدامات دست‌بردارند (Freitag, 2017: 33).

رئیس برنامه جهانی غذا، وابسته به سازمان ملل گفته است که حملات کشورهای عربی به مردم بی‌دفاع یمن سبب به وقوع پیوستن بدترین فاجعه انسانی در دهه اخیر شده است.

۳. جنایت علیه بشریت و نسل‌کشی در یمن

جرم جنایت علیه بشریت و نسل‌کشی هر دو می‌توانند هم‌زمان چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ به وقوع بپیوندند؛ و در صورتی که به هنگام حالت جنگ این عناوین روی دهند، می‌توانند به‌عنوان جنایت جنگی مورد پیگرد قرار گیرند. باید توجه داشت بعضی از عناصر اساسی تشکیل‌دهنده جرم جنایت جنگی مثل قتل و کشتار، شکنجه، تحمیل عمدی رنج شدید و ناروا به سلامت جسمی و روانی افراد با عناصر جرم علیه بشریت و نسل‌زدایی مشترک هستند. در واقع موارد بسیاری از مصادیقی که در مطالب پیشین در رابطه با جنایت جنگی سعودی‌ها علیه مردم بی‌دفاع یمن عنوان شد، نشان می‌دهد که عربستان سعودی مرتکب چنین نابهنجاری‌هایی شده است. این دو عنوان مجرمانه در صورتی که در زمان حمله جنگی اتفاق بیفتند، جنایت جنگی هستند.

جنایت علیه بشریت، اقدامی است که بر ضد یک جمعیت غیرنظامی صورت گیرد و بارزترین نمونه آن را می‌توان در کشتار گروه‌های غیرنظامی دانست که شباهت زیادی به نسل‌کشی دارد؛ اما باید آگاه بود که جنایت علیه بشریت مفهومی موسع‌تر از نسل‌کشی دارد. در جنایت علیه بشریت لازم نیست که یک گروه مشخص و معین آماج و هدف باشند، به‌صورت عمومی، یک جمعیت غیرنظامی دربرگیرنده گروه‌های سیاسی، قومی، مذهبی و... ممکن است طرف این جنایت باشند. هر حمله گسترده یا سازمان‌یافته علیه غیرنظامیان، قتل افراد یک گروه، به بردگی گرفتن، تبعید یک جمعیت، تعقیب و آزار طویل‌المدت یک گروه به خاطر جنبه‌های سیاسی، نژادی، ملی، قومی، فرهنگی، مذهبی، جنسیتی از مصادیق جرم علیه بشریت می‌باشد (شریعت‌باقری، ۱۳۸۸: ۲۷). جنایت علیه بشریت را در یک تقسیم‌بندی می‌توان به سه گروه عنوان کرد. ۱) جنایت علیه تمامیت جسمانی و روانی افراد؛ ۲) جنایت ضد آزادی‌های اساسی افراد؛ ۳) سایر اعمال ضد بشری (بیگ‌زاده، ۱۳۷۷: ۸۷).

جنایت علیه بشریت بر اساس بند اول ماده ۷ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی صرفاً شامل جنایاتی من جمله «قتل، اخراج یا انتقال اجباری یک جمعیت، شکنجه، تجاوز جنسی، عقیم کردن اجباری، تعقیب و آزار مداوم هر گروه یا مجموعه مشخصی به علل سیاسی، نژادی، ملی، قومی، فرهنگی، مذهبی، جنسی و علل دیگر، جنایت آپارتاید، اعمال غیرانسانی مشابه دیگری که عامداً به‌قصد ایجاد رنج عظیم یا صدمه شدید به جسم یا به سلامت روحی و جسمی صورت پذیرد»، است که «به‌عنوان بخشی از یک حمله گسترده و نظام‌مند با هدف ضدیت با هر جمعیت غیرنظامی» ارتکاب می‌یابند. (کسسه، ۲۰۰۲: ۱۱) این عناصر در کنار یکدیگر، شرایط اساسی احراز این جنایت را به وجود می‌آورند. از نقطه نظر عنصر روانی نیز برای اینکه بتوان فردی را به دلیل ارتکاب جرم علیه بشریت مجرم شناخت، بایستی ابتدا ثابت کرد که قصد رسیدن به نتیجه

خاص و سوء نیت خاصی داشته است. در رابطه با فردی که در مقام یک کارگزار حکومتی عمل می‌نماید، لازم نیست که ایشان همه آثار و عواقب عمل خویش را بداند و پیش بینی نماید، بلکه صرفاً کافی است آگاه باشد که فعل او ممکن است نتایج جدی و بدی را برای دیگران داشته باشد (کسسه، ۱۳۸۷: ۹۸).

سعودی‌ها نیز آگاهانه و تعمداً در یمن مرتکب برخی اعمال شدند که قابل تطبیق بر جنایت علیه بشریت است. بر اساس گزارشی که صندوق کودکان ملل متحد در ژانویه ۲۰۱۷ منتشر کرد، پیش از شروع جنگ در مارس ۲۰۱۵ جمعیتی بالغ بر ۴/۸ میلیون یمنی به توجهات و اقدامات بهداشتی دسترسی نداشت؛ اما پس از این حملات این آمار به رشدی ۶۷ درصدی رسیده‌اند و جمعیت محروم به ۱/۱۴ میلیون نفر رسید که ۳/۸ از آنها کودکان هستند.

پیش از عملیات جنگی در مارس ۲۰۱۵، ۴/۱۳ میلیون نفر یمنی به آب سالم دسترسی نداشتند، اما پس از این حوادث این آمار با ۴۴ درصد رشد به ۳/۱۹ میلیون نفر رسید که تقریباً ۲/۱۰ میلیون نفر آن کودکان هستند (UN, 2017: 22).

این اوضاع احوال نمونه آشکاری از «ریشه کن کردن، شامل تحمیل عمدی وضعیت خاصی از زندگی است از جمله محروم کردن از دسترسی به غذا و دارو که به منظور منهدم کردن بخشی از یک جمعیت برنامه‌ریزی می‌شود»، است که به موجب ماده ۷ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی به عنوان یکی از مصادیق جنایت علیه بشریت عنوان شده است.

در مدت بیش از ۶ سال از تجاوز و نا امنی‌های حاصل از حملات ائتلاف سعودی-عربی با همراهی کشورهای غربی، نه تنها زیربنای این کشور از جمله مدارس، بیمارستان‌ها، مزارع کشاورزی، شبکه‌های انتقال از بین رفته، بلکه محاصره زمینی، هوایی، دریایی مانع اساسی بر سر کمک‌های بشردوستانه به مردم این کشور شده است. این سری اعمال «با علم» به حمله به جمعیت غیر نظامی صورت گرفته و در حال تکرار است و به این دلیل جنایت علیه بشریت محسوب می‌شود.

ماده ۶ اساسنامه رم، ایراد صدمه شدید به سلامت جسمی یا روحی اعضای یک گروه و قرار دادن عمدی یک گروه در معرض وضعیت زندگی نامناسب که منتهی به زوال قوای جسمی کلی یا جزئی آنها شود و... اینها به قصد نابود کردن تمام یا قسمتی از یک گروه ملی، قومی، نژادی باشد را نسل‌زدایی می‌داند. (Rome Statute, 2002: 6) آشکارترین نشانه نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت که در این تعریف آمده، تعداد کشته‌ها و زخمی‌ها است (معیار کمی). به منظور احراز جنایت لازم نیست که کل اعضای یک گروه از بین روند، بلکه کشته شدن بخشی از آنها با قصد خاص نابودسازی انجام شده است، می‌تواند نسل‌کشی محسوب شود. عربستان سعودی در این رابطه تصمیمات و راهبردهای یک‌جانبه‌گرا و تک‌بعدی اتخاذ نموده و شیعیان منطقه را دشمن



اساسی منافع این کشور می‌داند. همین خاطر نیز عربستان در این کشور ابتدا تا قصد نابودسازی و کشتار مردم شیعه‌نشین داشته است که نمونه بارز عملیات نسل‌زدایی است. در این رابطه «مرکز قانونی حقوق و توسعه» مستقر در صنعاء، در فوریه ۲۰۱۷ با ارایه گزارشی از آمار قربانیان غیرنظامی در یمن بر اثر حملات ائتلاف سعودی این آمارها را بیانگر ارتکاب جنایت نسل‌زدایی و جنایت علیه بشریت خواند. در واقع بر این اساس ائتلاف سعودی با علم به اینکه محاصر و تحریم باعث زوال جسمی و روانی مردم منجر می‌شود، از اقدام به گرسنگی دادن مردم به منظور اهداف جنگی سرباز نزدند؛ و لذا احراز شرایط عنصر مادی و روانی نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت در رابطه با اعمال سعودی‌ها مبرز است. باید توجه داشت که بر اساس ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو، نهادهای بشردوستانه بی‌طرف می‌توانند خدمات خود را به طرفیت درگیر ارائه دهند و هرگونه تأخیر یا محدودیت خودسرانه برای اقدامات بشردوستانه ناقض قواعد بین‌الملل می‌باشد. در این زمینه دشمنان یمن با محاصره یمن و ارتکاب جنایت علیه بشریت، موجبات قحطی و محرومت شدید بخش زیادی از غیرنظامیان به مواد غذایی و بهداشتی ضروری را به وجود آورد و باعث ایجاد رنج و ضرری عظیم و آسیب‌های شدید به سلامت روان و جسم مردم شدند و تحریم را ابزاری برای اجرای منویات خود در یمن قرار دادند. اما قطعنامه ۲۲۱۶ از سوی شورای امنیت در سال ۲۰۱۵ از همه طرف‌ها می‌خواهد که روند ارسال کمک‌های بشردوستانه را آسان کرده و توقفی ایجاد نمایند (ICJ, 2018: 22).

۴. جنگ یمن و جنایت تجاوز ارضی

پیش از ورود به مباحث باید گفت که در جریان مذاکرات نمایندگان سیاسی کشورها در رابطه با تصویب اساسنامه رم، علاوه بر مسأله تعریف «جرم تجاوز ارضی» در رابطه با نحوه اعمال صلاحیت دادگاه در این باره، اختلاف نظر زیادی وجود داشته و کشورهای غربی به خصوص اعضای دارای حق وتو با طرح بحث انحصاری بودن مسئولیت شورای امنیت سازمان ملل متحد، شرط اصلی اعمال صلاحیت دادگاه را احراز پیشین «تجاوز ارضی» از سوی این شورا می‌دانستند. ولیکن اکثریت کشورها مخالف این موضوع بودند، برخی می‌گفتند که در صورت امتناع یا ناتوانی شورای امنیت از احراز عمل تجاوز ارضی، دادگاه می‌تواند از مجمع عمومی درخواست بررسی وقوع تجاوز ارضی را داشته باشد. دیگران استدلال می‌کردند که دادگاه دادگستری بین‌المللی تنها مرجع صالح در این زمینه باید باشد؛ اما گروه سومی هم بودند که می‌گفتند اصولاً مسئولیت سیاسی شورای امنیت متفاوت از تبیین صلاحیت قضایی دیوان کیفری بین‌الملل می‌دانستند و شرط ضروری استقال دادگاه کیفری را احراز وقوع عمل تجاوز توسط خود این نهاد می‌دانستند (شایگان‌فرد، ۱۳۸۷: ۱۲۳).

بر اساس بند ۱ ماده ۵ اساسنامه، رسیدگی به جرم تجاوز ارضی در صلاحیت دادگاه قرار گرفته است، اعمال این صلاحیت، تا زمانی که جرم مزبور در کنفرانس بازنگری تعریف نشده، معلق باقی می ماند. (شریعت باقری، ۱۳۸۸: ۶۹) با این حال در ۱۱ ژوئن ۲۰۱۰ نخستین کنفرانس بازنگری دادگاه کیفری بین المللی در کامپالا اوگاندا تشکیل و قطعنامه شماره ۶ را در رابطه با تعریف جنایت تجاوز ارضی و عناصر تشکیل دهنده و شروط آن صادر شد. با این حال، اعمال واقعی صلاحیت دادگاه، کماکان به تصمیم کشورهای عضو بعد از اول ژانویه ۲۰۱۷ منوط شد. نتیجتاً رسیدگی به این جرم تا زمان گذاشت یک سال بعد از تصویب یا پذیرش اصلاحات توسط سی امین کشور عضو، معلق ماند (نگاه کنید به بند ۲ ماده ۱۵ مکرر اساسنامه دیوان) (آقایی جنت مکان، ۱۳۹۰: ۱۱۱).

در رابطه با وضعیت یمن در حال حاضر دیوان از ۱۷ جولای ۲۰۱۸ صلاحیت رسیدگی پیدا کرده است، ولیکن باید توجه داشت به دلیل اینکه جنایت تجاوز ارضی از سال ۲۰۱۵ شروع شده بود و صلاحیت دادگاه در آن زمان مشخص نبود، دیوان نمی تواند به این جنایت رسیدگی نماید. حملات سعودی ها در یمن به فرماندهی محمد بن سلمان ولیعهد و وزیر جنگ عربستان سعودی، نشان از ارتکاب جرم جنایت تجاوز ارضی در یمن است، از همان ابتدای کنفرانس بازنگری اساسنامه دادگاه در شهر کامپالا یک اجماع و توافق جدید صورت گرفت که جنایت تجاوز ارضی نوعی جرم مطلق رهبری است. در واقع اشخاصی که به اتهام این جرم تحت پیگرد قرار می گیرند، اغلب رهبر و مقامات عالی رتبه کشورها هستند. (کیتچاریساری، ۱۳۸۷: ۱۶۵) هنگام مخاصمه یمن و تحت عنوان عملیات توفان قاطعیت، مسئولیت اصلی و عمده بر عهده محمد بن سلمان بوده و حملات از پیش تعیین شده به امور غیر نظامی، بیمارستان ها، مدارس، سیلوها، کارخانه ها با دستور و فرماندهی مستقیم ایشان بوده است. در این رابطه باید گفت گرچه دادگاه برای رسیدگی به این جرم از ۱۷ جولای ۲۰۱۸ صلاحیت دارد، ولی حتی اگر جنین محدودیتی وجود نداشت، مشکلات دیگری بر سر راه اعمال صلاحیت و تعقیب کیفری فردی مثل بن سلمان به عنوان تجاوز ارضی وجود داشت. چراکه بر اساس هم اندیشی که در کنفرانس کامپالا درباره شرایط اعمال صلاحیت تجاوز ارضی صورت گرفت، دادگاه در هنگام ارجاع توسط یک دولت عضو، یا شروع تحقیقات مستقل دادستانی و ارجاع شورای امنیت قادر است، اعمال صلاحیت نماید. مطابق با ماده ۱۲ اساسنامه دادگاه می تواند صلاحیت خود را درباره جنایت تجاوزی اعمال نماید که از اعمال تجاوز کارانه ارتكابی توسط دولت عضو ناشی شده باشد، مگر آنکه آن دولت عضو سابقاً با ارائه اعلامیه به دبیرخانه چنین صلاحیتی را نپذیرفته باشد. لذا در مورد ارجاع یک وضعیت تجاوز ارضی از طرف یک دولت عضو و یا شروع به رسیدگی های مستقل به موجب ماده ۱۵، دادگاه نمی تواند صلاحیت خود را به اتباع دولتی که عضو اساسنامه نیست یا اصلاحات مربوط

به جنایت تجاوز را نپذیرفته، اعمال کند. در این موفقیت صلاحیت دادگاه در رابطه با جرم تجاوز ارضی منوط به ارجاع شورای امنیت سازمان ملل است. یمن و عربستان سعودی عضو دیوان نیستند، امریکا، انگلیس و حامیان این کشورها در شورای امنیت نیز مخالف بررسی و ارجاع موضوع از طریق شورا به دادگاه می‌باشند و این مشکل بزرگی است بر سر احقاق عدالت.

۵. پیشنهادها و راه‌حل‌ها به هنگامه وضعیت یمن

با وجود سپری شدن مدت زمانی زیادی از تجاوز کشورهای ائتلاف به رهبری عربستان سعودی به یمن، تحلیل و صورت‌بندی مصادیق اقدامات، نظام‌یافته و طولی‌المدت عربستان سعودی در یمن نمایانگر این است که ائتلاف و در رأس آنها کشور عربستان سعودی و امارات متحده عربی، با آگاهی و عمل به انجام عملیات غیرقانونی و با قصد حصول به نتیجه و هدف خاصی مرتکب یک سلسله اقدامات مجرمانه شده‌اند. عناصر روانی و مادی جنایات بین‌المللی عربستان سعودی در این کشور به وضوح قابل شناسایی است. از جمله این موارد جنایت جنگی، جنایت علیه بشریت، نسل‌کشی و تجاوز ارضی است. مطابق با گزارش شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در سوم سپتامبر ۲۰۱۹ سران و مقامات سعودی به خاطر انجام این جنایات دارای مسئولیت کیفری شخصی بین‌المللی هستند. در این رابطه شخص بن سلمان ولیعهد سعودی‌ها شکار بوده و این گزارش خواستار پیگیری و اعمال مجازات برای این فرد می‌باشد. نام ایشان در صدر لیست ۱۶۰ نفری است که شورای حقوق بشر به‌عنوان مرتکبین جرایم شنیع بین‌المللی معرفی کرده است (HRCR, 2019: 227).

در واقع سازمان دیده‌بان حقوق بشر نیز در بیانیه‌ای اعلام نمود که سازمان ملل متحد و شورای امنیت باید فوراً وضعیت مسئولیت کیفری شیخ بن سلمان را معین نمایند. این سازمان صراحتاً ابزار داشته «جای بن سلمان در فهرست تحریم‌های شورای امنیت است نه اینکه او به‌عنوان شخصیت سال در مجله تایم معرفی شود؛ زیرا او اولین مسئول در رابطه با ادامه وقوع فجایع انسانی در یمن است».

گزارش دیده‌بان حقوق بشر می‌افزاید که شورای امنیت اختیار اعمال هرگونه تحریم علیه هر طرفی که قواعد جنگ را نقض نماید، دارد و این مورد قابل اعمال بر تمامی فرماندهان جنگی از جمله بن سلمان است. از دید حقوق کیفری بین‌المللی محمد بن سلمان به دلیل گرسنگی تحمیلی و رنج مردم یمن بایستی در دادگاه کیفری بین‌المللی محاکمه شود و ادله اثبات این نیز وجود دارد (Wall, 2018: 11).

در همین رابطه باید توجه داشت محاکم کشور یمن در قالب اعمال صلاحیت سرزمینی و قانونی خود می‌توانند این پیگرد را انجام دهند. از نقطه نظر صلاحیت جهانی نیز، بر اساس قوانین

کیفری یمن، دادگاه‌های این کشور صلاحیت جهانی رسیدگی و پیگرد جنایات بین‌المللی که از سوی اتباع دیگر کشورها ارتکاب یافته باشند را ندارند (آنها این موارد را وارد حقوق داخلی نکرده‌اند). با این حال حتی با فرض وجود چنین صلاحیتی، محاکم کشور یمن به مرتکبین جنایات بین‌المللی در این کشور (که عمدتاً سعودی هستند) دسترسی ندارند. در دادگاه‌های ملی عربستان سعودی نیز هیچ پرونده‌ای طبیعتاً راجع به سران این کشور تشکیل نشده؛ زیرا محاکم این کشور تحت سرپرستی پادشاه این کشور هستند و امکان رؤیایپردازی برای رسیدگی به جنایت سران این کشور امری است غیرعقلانی و نامحتمل.

همچنین در چارچوب پاراگراف ۵۸ گزارش شورای حقوق بشر راجع به وضعیت حقوقی بشر یمن آمده (فرماندهان و سایر مقامات مرتکب جنایت جنگی می‌توانند در چارچوب قواعد حقوقی مربوطه توسط دادگاه‌های سایر کشورها در چارچوب صلاحیت جهانی محاکمه شوند) (HRC, 44: 2019).

در این رابطه باید گفت، حتی اگر دادگاه صلاحیت‌دار ملی سایر کشورها هم به موجب صلاحیت جهانی، صلاحیت رسیدگی به جنایات بین‌المللی ارتکابی در یمن را داشته باشد، عملاً امکان رسیدگی منتفی است؛ زیرا مشکلات سیاسی ناشی از اعمال صلاحیت جهانی و مصونیت افراد رده بالا مانع از این اقدام می‌شود و کشورها تمایلی به ایجاد تنش در روابط خود ندارند. برای نمونه پیش از این مورد (قانون مربوط به نقض عمده حقوق بین‌الملل بشر دوستانه) کشور بلژیک (قانون اصلاحی در ۱۰ فوریه ۱۹۹۹) به موجب و چارچوب صلاحیت جهانی، امکان شکایت بزه دیدگان به محاکم ملی بلژیک به خاطر جنایت علیه بشریت، نسل‌کشی و نقض فاحش مفاد کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل‌های الحاقی آن را می‌داد، بدون اینکه کوچکترین رابطه‌ای بین جرم یا مجرم یا بزه دیده با دولت بلژیک وجود داشته باشد. بر این بنیان، مصونیت مقامات رسمی دولت‌ها در محاکم بلژیک به رسمیت شناخته نمی‌شد (حسیبی، ۱۳۸۳: ۲۵).

اما به دنبال مسائل و حاشیه‌های ایجادشده پس از شکایت کنگو علیه بلژیک در پرونده یرو دیا (حکم بازداشت وزیر امور خارجه کنگو) و نیز رای ۱۴ فوریه ۲۰۰۲ دیوان بین‌المللی دادگستری علیه بلژیک، بروکسل در سال ۲۰۰۳ با اعمال اصلاحاتی، چنین صلاحیتی را از دادگاه‌های ملی خود نفی کرد. حال پرسش این است که با توجه به این واقعیت که عناصر مادی و روانی جنایات بین‌المللی توسط عربستان سعودی در یمن مشخص است آیا دادگاه می‌تواند اقدام به محاکمه و رسیدگی سران این کشور نماید؟ بر اساس ماده ۲۷ اساسنامه رم، سمت‌های رسمی افراد و به‌طور مشخص، نمایندگی دولت، مانعی در این راه ایجاد نمی‌نماید. اساسنامه در این رابطه سه اصل از نشان می‌دهد. اول اینکه برخلاف دادگاه‌های رواندا و یوگسلاوی سابق صلاحیت دادگاه فعلی تکمیلی است. این موضوع در مقدمه و مواد ۱، ۱۷ و ۱۹ آمده است؛ دوم اینکه دیوان فقط به

جرائم بین‌المللی می‌پردازد و سایر موارد باید از طریق نظام‌های داخلی تعقیب شود و در این خصوص شدت و سنگینی جرایم مشمول صلاحیت دادگاه باعث شد که طبق ماده ۲۹ اساسنامه، مرور زمان مشمول آنها نباشد. سومین اصل آن است که برای همه‌گیری دادگاه و به نوعی دموکراتیک شدن آن سعی شده مفاد آن از حقوق بین‌الملل عرفی تخطی ننماید و مورد به مورد سازش و هماهنگی میان نظام‌های حقوقی متفاوت ایجاد شود. لذا قسمت مهمی از مواد مربوط به تعریف جرایم مشمول صلاحیت دیوان مبتنی بر حقوق بین‌الملل می‌باشد (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۸: ۸۳).

نکته این است که بسیاری از اقدامات سران و فرماندهان عالی‌رتبه عربستان سعودی در جنگ یمن، از مصادیق جرایم بین‌المللی داخل در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی است که پیش از این به عناصر مادی و روانی آنها اشاره شد. طبق ماده ۱ اساسنامه، دیوان دارای صلاحیت تکمیلی نسبت به صلاحیت کیفری محاکم ملی است و باید نخست، محاکم ملی دولت‌های مذکور به تخلفات رسیدگی نمایند؛ اما ائتلاف سعودی دائماً منکر جرایم ارتکاب خود شده است و تمایلی به بازبینی موضوع ندارد. از این رو، این موضوع باید طی یک محکمه بین‌المللی مستقل رسیدگی شود؛ اما به این منظور شرایط فراهم شود. ماده ۱۳ اساسنامه دیوان در صورتی ایجاد صلاحیت می‌کند که دولت کشور محل ارتکاب یا دولت متبوع مجرمان، اساسنامه را پذیرفته باشند که در این پرونده نه یمن و نه عربستان عضو اساسنامه نیستند. نکته آنکه یمن، چین، عراق، اسرائیل، قطر، آمریکا در کنفرانس رم در سال ۱۹۹۸ به اساسنامه رأی منفی دادند (شریعت قاری، ۱۳۸۱: ۴۸). با این حال دولت‌ها می‌توانند به‌طور موردی صلاحیت دیوان را بپذیرند. لذا در این مورد می‌تواند با سپردن اعلامیه‌ای نزد دبیرخانه خواستار رسیدگی به وضعیت شود. همانطور که در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۵ فلسین در رابطه با فجایع غزه به‌صورت موردی از دادستان دادگاه خواستار تحقیقات بود.

منطبق بر ماده ۱۱ اساسنامه رم در صورتی که دولتی بعد از لازم‌الاجرا شدن اساسنامه عضو آن شود، آنگاه فقط درباره جنایات اعمالی صلاحیت می‌شود که پس از لازم‌الاجرا شدن اساسنامه در مورد آن دولت روی داده باشد، مگر آنکه دولت مزبور اعلامیه‌ای به‌موجب بند ۳ ماده ۱۲ در رابطه با پذیرش صلاحیت صادر کرده باشد؛ و این راه‌حلی پیش روی یمن در شرایط فعلی است، اما نظر به اینکه در حال حاضر اخلاف و شبهاتی در مورد دولت قانونی و مشروع در یمن وجود دارد این راه‌حل ممکن نیست و ممکن است در آینده در صورت استقرار و ثبات در یمن شدنی باشد. باید گفت اگر یمن و عربستان عضو اساسنامه بودند حتی در صورتی که رسماً اقدام به مراجعه به دیوان نمی‌کردند بر اساس ماده ۱۵ دادستان می‌تواند خود رسماً بر اساس گزارش‌های موجود صلاحیت دیوان را فرا بخوانند و تحقیقات را شروع نماید. امروزه دیدگاه حقوقی در حال پیدایش است که با توجه به گسترش جنایات بین‌المللی در جهان، الزامی است بدون توجه به شرط عضویت

کشورها، دادستان دیوان بتواند راساً وارد عمل شده و با جلب موافقت قضات درباره صلاحیت دیوان تحقیقات را در این زمینه شروع کند به‌خصوص در شرایطی که افراد حقیقی یا نهادهای غیردولتی (سمن‌ها) شکایتی را در این زمینه مطرح نمایند که البته پیشرفت کار در این زمینه کاملاً به همکاری کشورهای محل جنایت بستگی دارد. با توجه به وضعیت یمن به نظر این مطالبه‌چندان دور از ذهن نباشد. راهکار دیگر تعقیب مجرمان مبتنی بر سازوکار شورای امنیت است. منطبق با ماده ۱۳ اساسنامه دیوان «در صورتی که شورای امنیت وضعیتی را که در آن یک یا چند جنایت ارتکاب یافته باشد، به موجب فصل ۷ منشور ملل متحد به دادستان ارجاع می‌دهد» دیوان در این رابطه موظف است صرف نظر از عضویت، دولت بزهکار یا بزه‌دیده وضعیت مرجعی را بررسی نماید. (13: Rome Statute, 2002) در این رابطه دو چالش وجود دارد یکی حمایت اعضای دائم شورای امنیت از جمله آمریکا از عربستان و دیگری این ماده ۱۶ اساسنامه باز به دارنده حق و تو اجازه می‌دهد خواستار تعلیق رسیدگی شوند؛ در اینجا این اعضا می‌توانند درخواست تعلیق رسیدگی به پرونده را داشته باشند و لذا هیچ تعقیبی به مدت ۱۲ ماه در این رابطه نمی‌تواند صورت گیرد. کشورهای عضو ملل متحد قادرند مبتنی بر اصل صلاحیت جهانی، جرائم مهم بین‌المللی را تعقیب نمایند. از این رو این کشورها می‌توانند درخواست پیگیری جنایت سعودی‌ها در نزد محاکم داخلی خود باشند. ولیکن مصونیت کیفری سران نزد محاکم داخلی، شکل دیگری از اصل عمومی مصونیت مقامات بلند بوده و واجد خصیصه مطلق است که به این دلیل نمی‌توان مرتکبین را تعقیب و مجازات نمود (14: Cassesse, 2003).

دقیقاً به همین دلیل کشورهای صلاحیت جهانی را وارد مسائل صلاحیتی داخل نکرده‌اند. ماده ۲۷ اساسنامه رم نیز بر نفی مصونیت مقامات حکومتی اشاره دارد؛ اما مصونیت کیفری مقامات در محاکمه در دادگاه‌های ملی یک عرف بین‌المللی است. از نقطه نظر بسیاری از کشورها شناسایی این حق که مقامات می‌توانند به دلیل ارتکاب جنایت بین‌المللی در دادگاه‌های ملی دیگر کشورها تحت تعقیب واقع شوند، می‌تواند سبب هرج و مرج شود. باید گفت بررسی مصونیت دولت‌ها و اموال آنها با تصویب کنوانسیون ۲۰۰۴ پایان یافته ولیکن موضوع مصونیت مقامات از صلاحیت قضایی دادگاه‌های ملی از سال ۲۰۰۷ در کمیسیون حقوق بین‌الملل در حال بررسی است. در هر صورت امروزه این اجماع وجود دارد که دولت‌ها در صورت ارتکاب جرایم بین‌المللی مصونیت کیفری ندارند، با این وجود می‌توان مسئولین کشورها را در دادگاه کیفری بین‌المللی بر اساس اصل حقوقی (مسئولیت کیفری شخصی) مورد رسیدگی قرار داد. همچنین توافق بر این است که مقامات دولتی را نمی‌توان به دلیل ارتکاب جنایات بین‌المللی در محاکم ملی دیگر کشورها مورد رسیدگی قرار داد.

بحث و نتیجه گیری

مقامات بلندپایه عربستان سعودی با محوریت بن سلمان وزیر دفاع این کشور در تجاوز نظامی خود به کشور یمن از مارس ۲۰۱۵ میلادی آغاز شده و تاکنون ۲۰۲۱ ادامه دارد. علاوه بر راهنمایی‌ها و دستورات برای کاربرد سلاح‌های غیرمجاز مثل بمب‌های خوشه‌ای، فسفری، به بمباران مناطق غیرنظامی، مراکز آموزشی، مذهبی و درمانی نیز دست زده‌اند. بر اساس گزارشات و آمارهای صادرشده از نهادهای وابسته به سازمان ملل متحد در این حملات ده‌ها هزار مردم بی‌دفاع و غیرنظامی کشته یا زخمی شده‌اند، تهاجم نظام یافته و عامدانی سعودی به قصد رسیدن به نتیجه خاص خود به سمت مراکز درمانی یمن و اماکن حمایت شده باعث شیوع وبا و سایر بیماری‌های واگیر دار شده است. همچنین محاصره این شکور به صورت هوایی، زمینی و دریایی و اشغال بنادر و شاهراه‌های مواصلاتی توسط نظامیان سعودی موجبات کمبود غذایی، قحطی در کشور شده است. بنابراین موارد قواعد و مفاد کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و قواعد لاهه (کنوانسیون‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷) نقض شده‌اند. تحلیل موردی مصادیق جنایات صورت گرفته در یمن حاکی از ارتکاب جنایت بین‌المللی، از جمله جنایت جنگی، جنایت علیه بشریت و نسل‌کشی است؛ و شرایط و عناصر شکل‌گیری جرم از یعنی عناصر مادی و روانی به صورتی آشکار است و منابع بسیاری آن را تایید کرده‌اند به شکلی که شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در بیانیه‌ای وضعیت یمن را با اشاره به کارشناسی‌های صورت گرفته، فاجعه آمیز توصیف کرده است. جنگ یمن و تهاجمات عمدی به غیرنظامیان، اموال و مراکز مورد حمایت با دستور مستقیم بن سلمان و هدایت وزیر جنگ سعودی‌ها بوده، بنابراین مقامات بلندپایه این کشور تعمدانه و با قصد و نقشه قبلی موجبات نقض قواعد حقوق بین‌الملل فشر دوستانه را فراهم آورده و بر اساس ماده ۸ اساسنامه رم مرتکب جنایت جنگی شده و در چارچوب نظریه مسئولیت کیفری بین‌الملل شخصی که نوعی قاعده عرفی است، مسئولیت کیفری دارند. ولیکن به دلیل اینکه عربستان سعودی و نه یمن عضو اساسنامه رم نیستند، دادگاه صلاحیت رسیدگی به این موارد را تنها در صورتی می‌تواند احراز نماید که پرونده از بستر ماده ۱۳ اساسنامه از سوی شورای امنیت نزد دیوان مطرح شود که به دلیل حمایت برخی کشورهای صاحب حق و تونامتحمّل به نظر می‌رسد. همینطور بر اساس ماده ۱۲ اساسنامه دولت‌ها می‌توانند با صدور اعلامیه نزد دبیرخانه به صورت موردی صلاحیت دیوان را در خصوص جنایات بین‌المللی در قلمرو حاکمیتی یا توسط اتباع شان را بپذیرند. در این رابطه عربستان سعودی با آگاهی از جنایت ارتكابی تمایلی به عضویت در دیوان ندارد و یمن نیز به خاطر نابسامانی‌ها و هرج و مرج‌های داخلی تاکنون چنین درخواستی از دیوان نداشته است. با این حال سایر کشورهای عضو در ائتلاف عربی شرکت دارند، لذا دادستان دیوان می‌تواند مستقلاً تحقیقاتی را در این خصوص شروع نماید، ولی متأسفانه چنین رویکرد و اراده‌ای دیده نشده است.

البته در این زمینه دکریتنی در حال شکل گیری است که با توجه به تشدید جنایات بین المللی در جهان و تضعیف عدالت کیفری و مطالبه افکار عمومی جهان، بدون توجه به شرط عضویت کشورها دادستان دیوان بدون در نظر گرفتن این شرط با استعلام صلاحیت دیوان از قضات و در چارچوب ماده ۱۵ اساسنامه مجاز باشد، رأساً و مستقلاً تحقیقات را برای به کیفر رساندن مجرمین صورت دهد. مقامات عربستان آگاهانه با نقض منشور ملل متحد با انجام عملیات نظامی در یمن مرتکب جنایت تجاوز ارضی بر اساس ماده ۵ نیز شده اند؛ اما علاوه بر چالش های پیشین برای رسیدگی به این جرم خاص، به دلیل اینکه دیوان صرفاً بعد از ۱۷ جولای ۲۰۱۸ صلاحیت رسیدگی به این جرم را دارد و حملات در سال ۲۰۱۵ صورت گرفته، دیوان صلاحیتی در این زمینه ندارد. حملات سعودی ها نقض صلح و امنیت بین المللی بوده است و شورای امنیت می تواند در این زمینه با استناد به ماده ۱۳ اساسنامه وضعیت را به دیوان ارجاع دهد، حتی اگر طرفین درگیری عضو اساسنامه رم نباشند.

تشکر و قدردانی

نگارنده از عزیزانی که در فرآیند انتشار این پژوهش نهایت همکاری را داشتند، کمال امتنان را دارد.

منابع

- آقای جنت مکان، حسین. (۱۳۸۶). محاکمه قدرت (مسئولیت کیفری مقامات و زیردستان آنان در حقوق کیفری بین‌المللی). چاپ اول. گنج دانش.
- آقای جنت مکان، حسین. (۱۳۹۰). تعریف عناصر و شروط اعمال صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری نسبت به جنایت تجاوز با نگاهی به موافقت‌نامه کامپالا. *مجله حقوق بین‌المللی*، ۲۸(۴۴)، ۱۸۴ - ۱۶۳.
- <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1019814/>
- بیگ زاده، ابراهیم. (۱۳۷۷). بررسی جنایت نسل‌کشی و جنایات بر ضد انسانیت در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی. *مجله تحقیقات حقوقی*، (۲۱ و ۲۲)، ۱۰۴ - ۶۹.
- <http://ensani.ir/file/download/article/20100912141918>
- پزشکی، علی؛ بهری خیای، بهمن. (۱۳۹۷). حمله ائتلاف رهبری عربستان به یمن در ترازوی دیوان کیفری بین‌المللی. *مجله بین‌المللی پژوهش ملل*، ۳(۳۳)، ۱۲ - ۱.
- <http://ensani.ir/fa/article/382333/>
- حسینی، به آذین. (۱۳۸۳). مسئولیت کیفری مقامات عالی‌رتبه دولت‌ها در حقوق بین‌الملل. *مجله کانون وکلا*.
- خالقی، علی؛ جاویدزاده؛ حمیدرضا. (۱۳۹۰). رویکرد قضایی سازمان ملل متحد در مبارزه با نسل‌کشی. *فصلنامه حقوق*، ۴۱(۱)، ۲۲۴ - ۲۰۳.
- https://jfq.ut.ac.ir/article_29590.html
- رحمانیان، حامد؛ پیری، حیدر. (۱۳۹۲). بررسی کیفر شناختی جنایات بین‌المللی. *مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز*، ۲۵(۲)، ۵۸ - ۲۵.
- <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=241632>
- زمانی، سید قاسم. (۱۳۹۵). واگرایی و همگرایی مسئولیت کیفری فردی و مسئولیت بین‌المللی دولت تأملی در اوراق پرونده جنگ شیمیایی عراق علیه ایران. *پژوهش حقوق عمومی*، ۱۸(۵۱)، ۲۷ - ۹.
- <http://ensani.ir/fa/article/360083/>
- سیدزاده‌ثانی، سیدمهدی، فرهادی آلاشتی، زهرا. (۱۳۹۳). جنایت جنگی در منازعه‌های داخلی و بین‌المللی؛ مبانی و مصادیق تمایز. *پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل*، ۳(۱)، ۷۱ - ۴۴.
- <https://civilica.com/doc/704968/>
- شایگان فرد، مجید. (۱۳۸۷). *حقوق کیفری بین‌المللی*. جنگل.
- شریعت‌باقری، محمدجواد. (۱۳۸۸). صلاحیت دیوان کیفری بین‌الملل: اختلاف نظرها در مورد پیش شرط‌های اعمال صلاحیت‌های دیوان. *دیدگاه‌های حقوقی*، (۲۶)، ۵۷ - ۲۵.
- <http://ensani.ir/fa/article/8542/>
- قاضیانی، موسی؛ قاضیانی، محمد. (۱۳۹۸). محاکمه یمن، نقش‌آفرینی دیوان کیفری بین‌المللی. *پژوهشنامه حقوق فارس*، ۲(۳)، ۸۶ - ۶۷.
- <http://ensani.ir/fa/article/440893/>
- کسسه، آنتونیو. (۱۳۸۷). *حقوق کیفری بین‌المللی*. ترجمه زهرا موسوی، اردشیر ارجمند و حسین پیران. جنگل.

- کیتچایساری، کریانگساک. (۱۳۸۷). حقوق کیفری بین المللی. ترجمہ حسین آقایی جنت مکان، چاپ سوم. جنگل.
- میرمحمدصادقی، حسین. (۱۳۸۸). دادگاہ کیفری بین المللی. چاپ چہارم. دادگستری.
- Ehlert, C. (2014). *Prosecuting the destruction of cultural property in international criminal law: with a case study on the Khmer Rouge's destruction of Cambodia's heritage*. Martinus Nijhoff Publishers.
- Frulli, M. (2011). The criminalization of offences against cultural heritage in times of armed conflict: The quest for consistency. *European Journal of International Law*, 22(1), 203-217.
<http://www.ejil.org/article.php?article=2130&issue=105>
- Stahn, C., El Zeidy, M. M., & Olásolo, H. (2005). The International Criminal Court's ad hoc jurisdiction revisited. *American Journal of International Law*, 99(2), 421-431.
[https://www.researchgate.net/profile/Hector-](https://www.researchgate.net/profile/Hector-Christopher-K-Hall)
- Christopher K. Hall. (2008). "Article 7: Crimes Against Humanity", in Otto Triffterer (ed.), *Commentary on the Rome Statute of the International Criminal Court: Observers' Notes, Article by Article*, 2nd ed. C.H. Beck/Hart/Nomos, Munich/Oxford/Baden-Baden, 2008, pp. 190–91, 237–43.
https://www.icc-cpi.int/RelatedRecords/CR2020_00289.PDF
- Werle, G. (2005). *Principles of International Criminal Law*, TMC Asser Press, The Hague.
- Boas, G., Bischoff, J. L., & Reid, N. L. (2007). *International Criminal Law Practitioner Library* (Vol. 1). Cambridge University Press.
- Ginny, H. (2017). *Yemen Endures Civil war, Saudi Adventurism and the future of Arabia*, Oxford publication.
- Kelsen, H. (1952). *Principles of international law*. The Lawbook Exchange, Ltd..
- Shaw, M. N. (2003). *International law*. Cambridge university press.
- Wagner, M. (2003). The ICC and its Jurisdiction—Myths, Misperceptions and Realities. *Max Planck Yearbook of United Nations Law Online*, 7(1), 409-512.
https://www.researchgate.net/profile/MarkusWagner17/publication/27280617_The_ICC_and_its_Jurisdiction_Myths_Misperceptions_and_Realities/links/5a5cffe1a6fdcc68fa96ee20/The-ICC-and-its-Jurisdiction-MythsMisperceptions-and-Realities.pdf
- Bothe, M., Cassese, A., Gaeta, P., & RWD, J. (2002). War Crimes. The Rome Statute of the International Criminal Court: A Commentary.
- Michael Bothe, "War Crimes", in Antonio Cassese, Paola Gaeta and John R.W.D. Jones (eds.), *The Rome Statute of the International Criminal Court: A Commentary*, Oxford University Press, Oxford, 2002, pp. 408–9.
- Bothe, M. (2002). War crimes. *The Rome Statute of the International Criminal Court*, Oxford, 1(S 379), 426.
https://www.icc-cpi.int/RelatedRecords/CR2020_00289.PDF
- Michael Cottier, in Otto Triffterer (ed.). (2008). *Commentary on the Rome Statute of the International Criminal Court: Observers' Notes, Article by Article*, 2nd ed, pp. 458–66.
- Arnold, R., Bennion, E., Cottier, M., Dörmann, K., Viseur Sellers, P., & Zimmermann, A. (2008). Article 8—War Crimes. *Commentary on the Rome Statute of the International Criminal Court. Observers' Notes, Article by Article*, 2, 275-503.
- O'keefe, R. (2010). Protection of cultural property under international criminal law. *Melbourne Journal of International Law*, 11(2), 339-392.
<https://www.oxfordhandbooks.com/view/10.1093/law/9780199559695.001.0001/law-9780199559695-e-20>